بیم بیمه

بهبود فضای اقتصادی با حذف یک کاغذ پاره

دست‌انداز

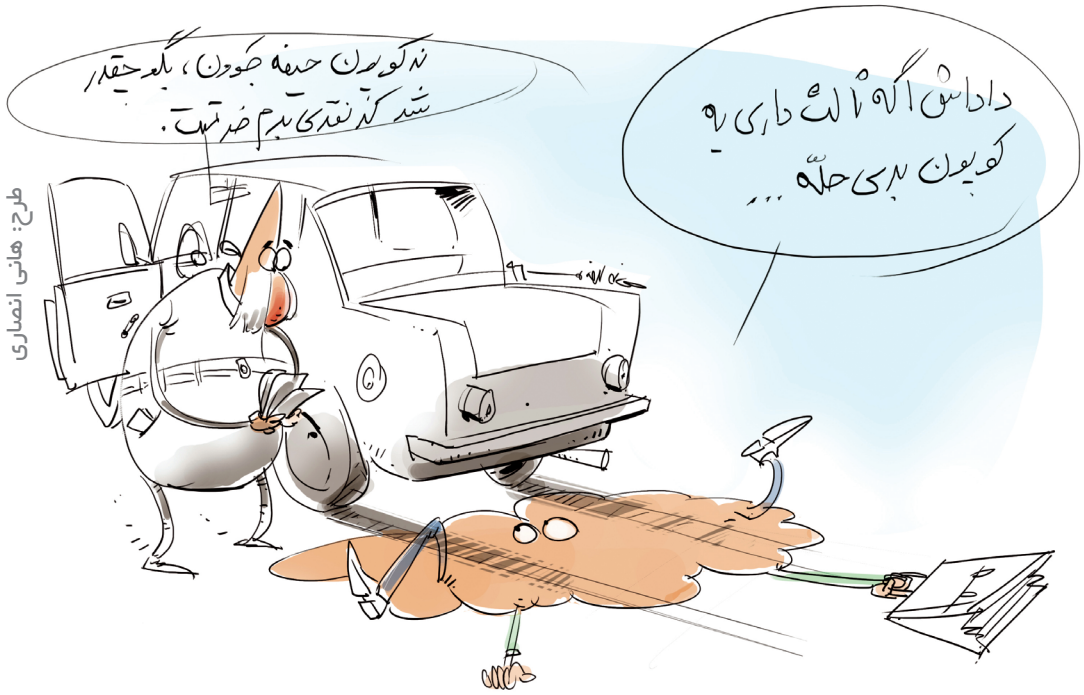

طرح: هانی انصاری

شـــهاب پاک‌نگر، فاطمه تهرانی / آیا شما جزو کسانی هســـتید که از ابتدای سال خرج‌های خود را مکتوب می‌کنید تا انتهای ســـال به پیسی نخورید؟ اگر جزو این افراد هســـتید باید به شـــما بگویم هنوز شـــش ماه نشـــده کل برنامه‌های‌تان نقش برآب شده چون نوسانات قیمت پیاز را در بودجه‌ریزی سالانه در نظر نگرفته بودید. اما نگران نباشـــید ما به شـــما کمک می‌کنیم تا یک سری از خرج‌های اضافه را کم کنید تـــا باز به دوران ثبات اقتصـــادی برگردید. مثلاً یکی از کالاهای لوکســـی که در ســـبد هر خانـــوار دارای خودرو دیده می‌شود، بیمه‌ی شخص ثالث است. شما می‌توانید با حذف همین کاغذ پاره، سالانه حدود یک میلیون تومان (ده میلیون ریال ســـابق) ذخیره کنید و اگر حداقل حقوق مصوب را دریافت می‌کنید، یک ماه ســـرکار نروید. البته ممکن است حرف ما را قبول نداشته باشید، چون از بچگی در گوش‌مان خوانده‌اند کـــه «بیمه برای همه تو زندگی لازمه»، اما با مطالعه نکات پیشِ رو قطعاً نظرتان عوض خواهد شد.

الف

کار غربی‌ها همیشـــه این بوده اســـت کـــه اول به آدم می‌گویند نباید محدودیت داشته باشی و آزادی که هر غلطی دلت خواست بکنی؛ اما بعد که شخص ولنگار شد و دیگر بر خودش تســـلطی نداشت، با وضع یک سری محدودیت‌های جدید او را تحت سلطه خود در می‌آورند. بیمه هم مصداق بارز یک فرهنگ غربی است که سعی دارد آزادی‌های یک آریایی اصیل را تحت‌الشـــعاع قرار دهد. اول به او می‌گویند هرجور دوست داری رانندگی کن چون ما خسارت اشتباهاتت را خواهیم داد، بعد که شخص به تصادف کردن عادت می‌کند، می‌گویند بیشتر از چهار تصادف مجاز نیست!

ب

مسأله‌ی مهم دیگر این است که قیمت‌های بیمه جوری تنظیم شده‌اند که شما اگر تصادف کنید و کل جلوبندی ماشین طرف مقابل را هم پایین بیاورید، باز هم برای‌تان به‌صرفه است که خودتان پول خسارت را تقبل کنید تا اینکه از کوپن‌تان اســـتفاده کنید. با این اوصاف، وقتی قرار نیســـت هیچ وقت از کوپن اســـتفاده کنید و خود شرکت‌های بیمه هم راضی به این کار نیستند، دیگر چه نیازی به بیمه کردن ماشـــین هست؟ اگر ماشین‌تان را بیمه نکنید، نه پول داده‌اید، نه از کوپنی استفاده کرده‌اید. شما راضی، شرکت بیمه راضی و به هرحال، دندانِ لق ناراضی! ما هم به هر کس که رســـیدیم می‌گوییم شما بیمه داشتید، ولی ترجیح دادید نقداً حساب کنید.

ج

بنده به شخصه زیر بار پرداخت هزینه‌های بیمه نمی‌روم و پیشنهاد می‌کنم شما نیز نروید چون به نظرم شیوه‌ی قیمت‌گذاری بیمه در کشور ما ایراد اساسی دارد. متأسفانه بیمه‌گرهای ما حتی در مقوله‌ی قیمت‌گذاری‌ها خود را مغلوب فرمول‌های محاســـباتی غربی‌ها کرده‌اند. شـــما به بنده بگوییـــد، وقتی ما نصف روزهای هفته را به خاطر طرح زوج و فرد نمی‌توانیم رانندگی کنیم، نصفِ دیگر روزهـــای باقی‌مانده نیز به خاطر آلودگی هوا بیرون آوردن ماشین ممنوع است و اساســـاً تنها حادثه‌ی بالقوه‌ی پرخطرِ ما، مالیدن در ماشین به دیوار پارکینگ است که خسارت آن را هم بیمه تقبل نمی‌کند، دیگر این هزینه‌های گزاف برای چیســـت؟ واقعاً چرا باید پول زبان‌بسته را بریزیم به حساب بیمه؟

عده‌ای یـــاد گرفته‌اند تا ما می‌گوییـــم قیمت بیمه گران اســـت، ســـریع می‌گویند «ارزان» یا «گـــران» بودن یک امر نسبی است و باید به جای اینکه به قیمت بیمه غر زد، درآمدها را افزایش داد. البته ما هم دوست داریم که درآمدمان افزایش بیابد و قیمت بیمه برایمان نسبتاً ارزان شود، اما متأسفانه نه منبعی در کشور هست که بتوانیم از آن بهره ببریم، نه هوادار درست و حسابی داریم که شماره حساب بدهیم و بیســـت میلیارد، بیســـت میلیارد به حساب‌مان پول و وثیقه بیاید و نه حتی محض رضای خدا پدرمان عقلش رسیده که به ما کمی ژن خوب اهدا کند. همه‌ی مســـائل فوق‌الذکر خود مهر تأییدی بر لوکس بودن بیمه است.

و

خودِ فروشندگان بیمه هم می‌دانند جنسی که دارند می‌فروشـــند جز دردســـر برای خریدار چیزی ندارد وگرنه موقع خرید هیچ وقـــت نمی‌گفتند «امیدوارم ازش استفاده نکنید». شما می‌توانید یک مثال دیگر پیدا کنید که اگر از کالا یا خدمات خریداری شـــده بیشتر استفاده کنید، جریمه بشوید؟ اصلاً مسخره‌تر از بیمه وجود دارد؟!

هـ

اخیـــراً فرهنگ غلطی در جامعه جا افتاده اســـت که همه همدیگـــر را قضاوت می‌کنند. اصلاً بـــه نظر من تمام این «جاج کردن»های بی‌خود، زیر ســـر بیمه است. شما نگاه کنید، اخیراً مد شده تا یک ماشینی از پشت به یک ماشین دیگر می‌زند، همه ســـریع می‌گویند مقصر ماشین عقبی است؛ در حالی‌که ممکن است کرم از خودِ ماشین جلویی باشـــد! به‌طور مثال عرض می‌کنم، احتمالِ آسیب دیدنِ صندوق عقب یک ۲۰۶ اس‌دی بیشـــتر است یا یک پرایدِ هاچ‌بک؟ سیاست‌های بیمه باعث شده که دیگر هیچ کس دقت نکند اگر صندوق ماشـــین آنقدر بزرگ نبود، احتمالاً میزان خسارت نیز کمتر بود. یا مثلاً در یک تصادف از خیابان فرعی به اصلی، همه می‌گویند کسی که از فرعی پیچیده مقصر اســـت، در حالی که اگر آن ماشـــینی که در خیابان اصلی بوده، در پارکینگ می‌ماند، اصلاً چنین تصادفی هم رخ نمی‌داد. به هر حال به نظر می‌رسد تنها راه برخورد با این فرهنگ غلط غربی، عدم پرداخت حق بیمه است.